

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۶/۲۵
تاریخ بررسی مقاله: ۱۳۹۳/۰۹/۲۹
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۰۲/۲۲

مجله‌ی علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز
پاییز وزمستان ۱۳۹۴، دوره‌ی ششم، سال ۲۲
شماره‌ی ۲، صص: ۵۴-۲۱

واکاوی مفهوم "مشارکت و مداخله در آموزش فرزندان" از دیدگاه والدین و معلمان

ناصر شیربگی*

نعمت‌اله عزیزی**

شیلا امیری***

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی درک اولیاء و معلمان از پدیده مشارکت و مداخله والدین در آموزش و پرورش فرزندان صورت گرفت. روش بررسی این پژوهش مدل آمیخته‌ی اکتشافی است. میدان تحقیق معلمان و والدین مدارس دخترانه سه دوره تحصیلی (ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان) شهر کرمانشاه بود. جمعاً ۲۰۰ نفر از معلمان و ۲۱۰ نفر از والدین (۱۱۰ نفر زن و ۱۰۰ نفر مرد) از مناطق مختلف اقتصادی-اجتماعی شهر کرمانشاه به عنوان نمونه آماری در بخش کمی تحقیق انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده در بخش کیفی یک پروتکل مصاحبه نیمه ساخت یافته و در بخش کمی پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته مبتنی بر مؤلفه‌های بخش کیفی و ادبیات پژوهشی بود که با روش تحلیل عاملی اکتشافی و ضریب آلفای کرونباخ روایی و پایایی پرسشنامه مورد تأیید قرار گرفت. از داده‌های حاصل از مصاحبه مقوله‌های چگونگی مشارکت در آموزش، نوع تعامل و تأثیرات روانی و اجتماعی مشارکت استخراج گردید. تقریباً هیچکدام از والدین تعمداً در فرایند آموزشی مداخله نکرده بودند و شواهدی از هم‌فکری والدین جهت مشارکت گروهی مشاهده نشد. تحلیل‌ها نشان داد که اگرچه والدین از لحاظ نظری از اهمیت مشارکت والدین در آموزش فرزندان تا حدی آگاهند اما در عمل به دلایل مختلف چندان در این فرایند درگیر نیستند. والدین اذعان داشتند که ارتباط کمی با معلمان دارند و از مشکلات آموزش فرزندان آگاهی کافی ندارند. میزان مشارکت داوطلبانه آن‌ها در فرایند تحصیل فرزندان در سطح پایین بود و راهنمایی به فرزندان را در فرایند انجام تکالیف را نیز خیلی نادر گزارش کرده بودند. والدین در مقایسه با معلمان بیشتر خواهان تشویق فرزندان در انجام کارهای مدرسه بودند. در بین اولیاء مادران بیش از پدران دانش‌آموزان علاقمند به مسؤلیت‌پذیری در فرایند تحصیل

nshirbagi@uok.ac.ir

n.azizi@uok.ac.ir

shila.amiri61@gmail.com

* دانشیار دانشگاه کردستان (نویسنده مسئول)

** استاد دانشگاه کردستان

*** کارشناس ارشد دانشگاه کردستان

فرزندانشان بودند. اما نوعی عدم تفاهم بین والدین و معلمان در چگونگی مداخله آموزشی وجود داشت. معلمان خیلی راغب نبودند که والدین در فرایند آموزش مداخله کنند. پژوهش حاضر توصیه می‌کند وقتی ابتکارات و برنامه‌ها مبتنی بر روابط احترام‌آمیز و اعتماد بین کارکنان مدرسه و خانواده‌ها باشند در ایجاد و نگهداری پیوندهایی که پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را حمایت می‌کند خیلی کارآمدتر خواهند بود. برقراری روابط مثبت با والدین و ارایه روش‌های عملی به موفقیت آموزشی فرزندانشان کمک می‌کند اما عناصر دیگر مانند بهبود بخشیدن به برنامه درسی و آموزش نیز ضروری هستند.

واژه‌های کلیدی: مشارکت والدین، مداخله در آموزش فرزندان، انجمن اولیاء و مربیان، خانه و مدرسه

مقدمه

در سراسر دنیا بیشتر والدین بدون توجه به موقعیت اجتماعی و فرهنگی آنان به آموزش فرزندان خود علاقه‌مندند و در این آرزو مشترکند که بچه‌هایشان در فعالیتهای آموزشی و کسب مدارج علمی عملکرد خوبی داشته باشند. از این رو، در فراهم ساختن تسهیلات لازم برای تحصیلات موفقیت‌آمیز فرزندانشان تلاش می‌کنند. به نظر هیات-میشل^۱ (۲۰۰۵) در کشورهای در حال توسعه، والدین آموزش را به عنوان ابزار دستیابی فرزندانشان به دانش و مهارت‌های بهتر و موقعیت اجتماعی-اقتصادی بالاتر در نظر می‌گیرند. در نظام آموزشی ایران، اغلب نقش خانواده کمتر از آن است که انتظار می‌رود و بنا به دلایلی، در کوشش‌های والدین، آن تلاش عمده که به اهداف مشخص تربیتی متوجه باشد تقریباً جایی ندارد. بعضی از اولیاء تصور می‌کنند که کار تعلیم و تربیت را باید به مدارس واگذار کرد و در هنگام مشاهده رفتار نابهنجار فرزندانشان، معلمان و عوامل مدرسه را مقصر می‌پندارند. واقعیت آن است که در بیشتر نقاط کشور وقتی موضوع دعوت اولیاء به مدرسه پیش می‌آید برداشت آنان این است که مدرسه به کمک مالی نیاز دارد.

استفاده از اصطلاح والدین به طور خاص بر هر کسی که نقش پدری و مادری با بچه‌ها دارد اطلاق می‌شود که شامل مادر، پدر، پدر بزرگ و مادر بزرگ و دیگر اعضای که خانواده را سرپرستی می‌کنند، هم چنین پدر خوانده و مادر خوانده و کسانی دیگر که جانشین سرپرست هستند می‌شود (هورنبای^۲، ۲۰۱۱). وجود ناهماهنگی بین دیدگاه‌های معلمان و والدین ریشه

1- Hiatt-Michael

2- Hornby

در نقش و مسئولیت‌های مختلف آنان دارد. والدین از آنچه که برای فرزندان خودشان بهتر است حمایت می‌کنند و نه ضرورتاً از آنچه که برای همه یا بیشتر دانش‌آموزان یک کلاس، یک پایه تحصیلی یا یک مدرسه مناسب‌ترین است. از طرف دیگر، معلمان برای تعیین عملکردها و تصمیم‌گیری بر این که چه چیزی برای جمعیت بزرگتری از دانش‌آموزان (نه فقط یک دانش‌آموز) مفید است مسئولیت دارند. ناسازگاری‌هایی که از این تنش‌ها ناشی می‌شود طبیعی است و می‌تواند در بستر یک رابطه سالم و احترام‌آمیز با تعیین مسئولیت‌های شفاف و مناسب والدین و معلمان مدیریت شود. این واقعیت مهم اجتماعی اغلب توسط پژوهشگران تعلیم و تربیت که مدارس یا خانواده‌ها را به صورت مجزا مطالعه می‌کنند مورد غفلت قرار گرفته‌است. بیشتر مطالعات انجام گرفته توسط معلمان بدون توجه به محیط خانواده دانش‌آموزان صرفاً بر برنامه‌های آموزشی مدرسه یا امتحانات تمرکز داشته‌است. با توجه به این که مدارس همواره جمعیت‌های گوناگونی از دانش‌آموزان را پذیرا هستند باید تلاش شود که ماهیت روابط خانه و مدرسه به شیوه‌ای که توسط والدین و معلمان درک می‌شود بررسی گردد. انتظار می‌رود بازخورد این مسایل، اطلاعات با ارزشی را فراهم سازد تا بتوان در برنامه‌های تربیت معلم، معلمان جدید را با چالش‌های مربوط به ارتباط با خانواده‌های دانش‌آموزان و مداخله‌های مؤثر آنان در مسایل آموزشی و تربیتی آماده‌تر ساخت.

در بحث همکاری والدین با معلمان در امور آموزشی کودکان از مفاهیم «مشارکت»^۱ و «مداخله»^۲ استفاده می‌شود. اما برداشت از آن‌ها اغلب به صورت روشن عملیاتی نشده‌است (فیورستین^۳، ۲۰۰۰). به نظر اسمیت، دریسین، سلویتر و سلیگرز^۴ (۲۰۰۷) مفهوم مداخله از اصطلاح مشارکت والدین در فعالیت‌های مدرسه ریشه گرفته‌است تا درگیر شدن والدین در آموزش و پرورش فرزندانشان را در منازل در برگیرد. دسفورگس و ابوچار^۵ (۲۰۰۳) ضمن تفاوت قایل شدن بین مفاهیم مذکور مداخله را فعالیتی خودجوش اما مشارکت را برنامه‌ریزی شده می‌دانند؛ در حالی که مداخله روندی از پایین به بالا دارد، مشارکت بیشتر فرایندی از بالا به پایین است و نوعاً در ارتباط با برنامه‌هایی است که هدفش حل مشکل مداخله ناکافی یا

-
- 1- Participation
 - 2- Involvement
 - 3- Feuerstein
 - 4- Smit, Driessen, Sluiter, & Slegers
 - 5- Desforges & Abouchar

عدم مداخله والدین است. به نظر فانتوزو، دیویس و گینسبرگ^۱ (۱۹۹۵) مشارکت والدین در آموزش به "انواع رفتارهای والدین اشاره دارد که به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر توسعه شناختی کودکان و موفقیت مدارس اثر می‌گذارد" (ص ۲۷۳). اما مداخله به عنوان "شرکت والدین در فرایندها و تجارب آموزشی فرزندان" تعریف شده است (جینس^۲، ۲۰۰۷، ص ۲۴۵). به نظر محققان پروژه خانواده پژوه هاروارد^۳، مداخله همه فعالیت‌هایی را در برمی‌گیرد که تعمداً به وسیله والدین به یادگیری پیوند داده می‌شوند (به نقل از بوفارد و ویز^۴، ۲۰۰۸). مشارکت و مداخله می‌تواند شکل‌های ذیل را به خود بگیرد (اسمیت و همکاران، ۲۰۰۷):

(۱) مداخله در خانه: الف- بحث‌های خانگی درباره فعالیت‌های مدرسه فرزندان، ب- نظارت بر پیشرفت تحصیلی فرزندان.

(۲) مداخله در مدرسه: الف- تماس یا تعامل با عوامل مدرسه، ب- مشارکت: مانند حضور در فعالیت‌های مدرسه یا ناحیه.

توصیف مفاهیم مذکور دامنه‌ای از فعالیت‌ها را از «مشارکت در مدرسه» تا «کمک به آموزش کودکان در خانه» در بر می‌گیرد. برخی نمونه رفتارهای والدین که در پژوهش‌های تجربی ارائه شده‌اند عبارتند از: شرکت در گردهمایی‌های اولیاء و مربیان، عضو شدن در انجمن، داوطلب شدن در فعالیت‌های مدرسه، کمک به کلاس درس، کمک در انجام تکالیف، بحث در مورد فعالیت‌های مدرسه با فرزندان، کنترل پیشرفت بچه‌ها در مدرسه، تشویق و پاداش دادن به نمره‌های خوب، کتاب خواندن با فرزندان، الگوسازی رفتارهای مطالعه، بردن کودک به کتابخانه، تماس با مدرسه در مورد مشکلات بروز کرده، کنترل فعالیت‌های خارج از مدرسه کودک و گفتگوی منظم با او (فانتوزو، دیویس و گینسبرگ، ۱۹۹۵).

از دیدگاه‌های مختلف می‌توان به موضوع مشارکت و مداخله والدین در آموزش و پرورش نگرین. به عنوان مثال، اقتصاددانان درباره منابعی که صرف آموزش و پرورش می‌شود و بازگشت آن نگرانند. از لحاظ کمی، اوقاتی که والدین صرف آموزش و پرورش فرزندان می‌کنند درون‌داد مهمی برای معادله تولید آموزش و پرورش است. هر چند اطلاعات خیلی کمی درباره پیوند بین سطوح مداخله و موفقیت بچه‌ها وجود دارد. از دیدگاه اقتصادی، مداخله

1- Fantuzzo, Davis, & Ginsburg

2- Jeynes

3- Harvard Family Research Project

4- Bouffard & Weiss

والدین به عنوان تلاش‌های مستقیم والدین به منظور افزایش نتایج برآیندهای آموزشی فرزندان در نظر گرفته می‌شود (آویساتی، بسباس و گیون^۱، ۲۰۱۰). از طرف دیگر، جامعه-شناسان آموزش و پرورش مشارکت خانواده را به شکل سنتی از دیدگاه مدرسه تعریف می‌نمایند و بین فعالیت‌های خانگی (کمک به بچه‌ها در تکالیف، بحث تجارب مدرسه‌ای‌شان با فرزندان) و فعالیت‌های مدرسه‌ای (ارتباط با مدرسه و مشارکت در فعالیت‌های مدرسه) تفاوت قایل می‌شوند (گرین، والکر، هوور-دمپسی و ساندلر^۲، ۲۰۰۷).

محققان آموزشی انگیزه مشارکت یا مداخله والدین در آموزش را برآیندهای بهتر آموزشی برای فرزندان می‌دانند. بنابراین، مداخله والدین هدفی ابزاری برای پیشرفت فرزندان است. در نتیجه، تأثیرات مداخله والدین عموماً بر روی فرزندان اندازه‌گیری می‌شود. اما برخی از صاحب نظران مداخله را برای خود والدین نیز سودمند دانسته و برنامه‌های ملی و محلی دخالت دادن والدین در مدارس را روشی برای افزایش رضایت آنان به عنوان مشتریان اصلی می‌دانند. دخالت داوطلبانه والدین مکرراً سه واقعیت را مشخص کرده است:

۱- مداخله والدین با بالا رفتن موقعیت‌های اجتماعی-اقتصادی آنان افزایش پیدا می‌کند.
 ۲- نوع مداخله والدین در طول زمان تغییر می‌کند؛ با افزایش سن فرزندان فعالیت‌های مستقیم والدین کاهش می‌یابند.

۳- مداخله والدین تقریباً گونه‌های مختلفی برای پسران و دختران در بردارد.

یک الگوی مشهور در زمینه مشارکت والدین در آموزش فرزندان توسط هوور-دمپسی و ساندلر^۳ (۱۹۹۵) ارائه شده است که در برگیرنده عواملی هم چون تصمیم برای مشارکت، گونه‌ها و ساز و کارهای عمده مشارکت و تأثیر آن بر نتایج آموزشی فرزندان است. الگو از سطوح ذیل تشکیل یافته است:

سطح اول: تصمیم مشارکت والدین: که از مجموعه معینی از عقاید، تجارب و رفتارها تشکیل شده و برای پاسخ‌دهی والدین به این سؤال مطرح شده که "آیا من باید در آموزش فرزندم مشارکت داشته باشم؟" (هوور-دمپسی و ساندلر، ۱۹۹۷). این تصمیم برای بیشتر والدین قالبی متشکل از سه ساختار زیر است:

-
- 1- Avvisati, Besbas, & Guyon
 - 2- Green, Walker, Hoover-Dempsey, & Sandler
 - 3- Hoover-Dempsey & Sandler

الف- نقش والدین در زندگی فرزندانشان،

ب- احساس والدین نسبت به مؤثر بودن در کمک به موفقیت فرزندان در مدرسه،

ج- دعوت نامه‌ها، تقاضاها و فرصت‌هایی که برای مشارکت والدین از جانب مدرسه و فرزندان ارایه می‌شود.

سطح دوم: انتخاب گونه‌های مشارکت توسط والدین: در این سطح، والدین گونه‌های ویژه‌ای از مشارکت را در پاسخ به حوزه خاصی از دانش، مهارت، زمان، انرژی و درخواست‌های ویژه برای مشارکت و تأثیر آن بر موفقیت تحصیلی فرزندان ارایه می‌دهند.

سطح سوم: ساز و کارهایی که به وسیله آن مشارکت والدین بر روی نتایج دانش‌آموزان تأثیر مثبت می‌گذارد که الگوسازی، تقویت و راهنمایی مستقیم از آن جمله‌اند. الگوی فوق، مزیت‌هایی برای نقش و عملکرد والدین در آموزش فرزندان در بردارد: نخست، این که مشارکت والدین را به عنوان پروسه‌ای پویا و مداوم در نظر می‌گیرد. دوم، آن که نشان می‌دهد والدین، دست‌اندرکاران مدرسه و دانش‌آموزان با هم فرایند مشارکت را سامان می‌دهند.

پیشینه پژوهش

مطالعات تجربی ارزیابی میزان مشارکت والدین در آموزش و پرورش از اوایل قرن نوزدهم صورت گرفته است که حاکی از ناهماهنگی در تلاش‌ها برای عملی‌سازی و اندازه‌گیری سطوح مشارکت والدین است. اما سابقه مشارکت والدین به برنامه‌های جبرانی دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در آمریکا و اروپا برمی‌گردد. این برنامه‌ها با هدف تشویق مشارکت فعال والدین دانش‌آموزان اقلیت‌های مذهبی فقیر برای آماده‌سازی در انجام موفقیت‌آمیز تکالیف مدرسه و پیشگیری از افت تحصیلی ارائه شد (بیکر و دنسن، ۲۰۰۷). نتایج مشارکت والدین در آموزش بر پیشرفت تحصیلی کودکان متفاوت گزارش شده است که می‌تواند ناشی از پیچیدگی مفهوم مشارکت والدین باشد. پژوهشگران ادعا کرده‌اند که تأثیر سواد والدین، سطح درآمد و عوامل خانوادگی در تصمیم والدین به مشارکت در آموزش بسیار مهم است اما تبیین‌کننده انتخاب گونه‌های مشارکت و تأثیر آن بر نتایج آموزش دانش‌آموزان نیست. سینگ، بیکلی، تریوت، کیت و آندرسون^۲ (۱۹۹۵) دریافتند که از بین چهار عامل اهداف والدین، رابطه والدین

1- Bakker & Denessen

2- Singh, Bickley, Trivette, Keith, Keith, & Anderson

و بچه‌ها، ساختار خانواده و مشارکت در فعالیت‌های مدرسه، اهداف والدین قوی‌ترین تأثیر را در پیشرفت تحصیلی فرزندان نشان داشته است. نگرش والدین به مشارکت در فعالیت‌های آموزشی فرزندان در منزل و مدرسه بر سطح رشد و کیفیت یادگیری و تحصیل در تمامی سنین تأثیر دارد (ادوارد^۱، ۲۰۰۲). مداخله والدین منتج به بهبود پیشرفت تحصیلی، حضور بهتر در مدرسه و نرخ دانش آموختگی بالاتر می‌شود. به علاوه، این مداخله با احساس شایستگی، مهارت‌های خود-تنظیمی بهتر و تقویت باور به اهمیت آموزش در بین فرزندان در ارتباط است (فلین و نولان، ۲۰۰۸). در یک فرا تحلیل، هندرسون و مپ^۲ (۲۰۰۲) هشتاد مطالعه انجام شده در مورد مشارکت والدین در دوره‌های پیش‌دبستانی تا دبیرستان را در آمریکا مورد بررسی قرار دادند. شواهد گویای تأثیر گونه‌های مداخله خانواده و جامعه در آموزش بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در همه سطوح و گروه‌های فرهنگی بود.

تعداد کمی از والدین از کودکان تا دبیرستان فعالانه در فعالیت‌های آموزشی فرزندان درگیرند (سیمون^۳، ۲۰۰۴). به عقیده اپستین (۲۰۰۶) همکاری خانواده و مدرسه موضوع مطالعاتی جوانی است. انباشت دانش در این حوزه در خلال چهار دهه گذشته با نظریات دقیق‌تر، سؤالات پژوهشی گسترده‌تر، شیوه‌های تحلیل بهبود یافته‌تر و تلاش‌ها و علایق بیشتر مریان و دست‌اندرکاران همراه بوده است. سازگاری خانه و مدرسه و درگیر شدن والدین در آموزش بچه‌ها به دو شکل حرفه‌ای و سیاسی ارتقاء پیدا کرده و این پنداره شکل گرفته که اگر والدین و معلمان به صورت مشارکتی کار کنند به نفع دانش‌آموزان است (ادوارد، ۲۰۰۲). چنین آگاهی گسترده‌ای به صورت چشمگیر در جوامع غربی فراصنعتی شامل بریتانیا، نیوزیلند، نروژ، سوئیس و آمریکا دیده می‌شود و در کشورهای در حال توسعه نیز در حال گسترش است. ساندرز^۴ و اپستین (۱۹۹۸) در کشورهای ژاپن و شیلی پیوندهای خوب خانه و مدرسه را گزارش کرده و بر این باورند که این پیوندها در سراسر دنیا به سمت رسمی‌تر شدن پیش می‌روند. مطالعات تطبیقی انجام شده در هنگ‌کنگ، کره جنوبی، تایوان و سنگاپور نیز نشان داده است که والدین آسیایی وقت و منابع خود را به جای مدرسه در منزل صرف پشتیبانی و

-
- 1- Edward
 - 2- Henderson & Mapp
 - 3- Simon
 - 4- Sanders

یادگیری فرزندان‌شان می‌کنند (هالام و روجرز^۱، ۲۰۰۸).

به باور پترسون^۲ (۱۹۹۷) بیشتر مدیران مدارس از اهمیت مشارکت والدین آگاهند و هر موضوعی را از افت تحصیلی گرفته تا خشونت در مدرسه به کمبود مداخله والدین نسبت می‌دهند. پاجت^۳ (۲۰۰۶) نیز گزارش کرده که والدین به اندازه کافی از آموزش فرزندان‌شان حمایت نمی‌کنند و مدیران مدارس در ایجاد ارتباط با خانواده‌ها احساس درماندگی دارند. معلمان نیز اغلب از ارتباط با والدین رویگردان هستند. نتیجه تحقیقات براون^۴ (۱۹۹۶) نشان داد که معلمان نمی‌توانند والدین را به مشارکت در یک پیوند معنی‌دار تشویق نمایند. از جمله دلایل ارائه شده برای مقاومت معلمان برای ارتباط با خانواده‌ها موارد ذیل ارائه شده است: نگرستن والدین به عنوان یک تهدید، عدم درک اهمیت نقش والدین، باورنداشتن به مسئولیت برقراری ارتباط با والدین و عدم تمایل معلمان به صرف وقت با والدین (فلاین و نولان^۵، ۲۰۰۸).

نهایتاً اینکه عدم تمایل والدین به مشارکت نیز مانع عمده‌ای در ایجاد روابط بین خانه و مدرسه است (ستورر^۶، ۱۹۹۵). این عدم مداخله یا مشارکت می‌تواند ناشی از عوامل ذیل باشد: احساس هراس، عدم درک از اهمیت نقش خود، کمبود حس خود-کارآمدی، داشتن احساسات منفی درباره مدرسه، باور به این که معلمان به اندازه کافی از بچه‌ها مراقبت نمی‌کنند، مشکلات زبانی، عدم آگاهی والدین از مشکلات فرزندان‌شان و غرق شدن در مسئولیت‌های روزمره زندگی (فلاین و نولان، ۲۰۰۸).

ابتکارات اخیر برخی مدارس برای درگیرکردن والدین بر این باور نهادینه شده که تفکر و عمل والدین در برآیندهای آموزشی اهمیت دارد. مدارس نمی‌توانند امیدوار باشند که موقعیت خانواده یک دانش‌آموز را تغییر دهند، اما ممکن است برخی از مؤلفه‌های وظایف والدین در مسیر افزایش مداخله آنان تأثیر بگذارند. هدف عمده پژوهش حاضر درک بهتر انتظارات گروه‌های متفاوت والدین و معلمان از مشارکت و مداخله در آموزش کودکان و بهبود مدیریت

-
- 1- Hallam & Rogers
 - 2- Peterson
 - 3- Padgett
 - 4- Brown
 - 5- Flynn & Nolan
 - 6- Storer

انجمن‌های اولیاء و مربیان به منظور مشارکت بیشتر و نزدیک ساختن انتظارات و اهداف آن‌ها از مشارکت در آموزش می‌باشد. پژوهش حاضر در پی پاسخ‌گویی به پرسش‌های ذیل است:

۱. والدین چگونه در آموزش فرزندانشان مشارکت/ مداخله می‌کنند؟
۲. والدین چگونه گونه‌های ویژه مشارکت/ مداخله را بر می‌گزینند؟
۳. چگونه مشارکت/ مداخله والدین تأثیرات مثبتی بر یادگیری دارد؟
۴. مشارکت/ مداخله والدین در آموزش فرزندانشان در چه سطحی است؟
۵. چه تفاوتی بین ادراک والدین و معلمان از مشارکت/ مداخله در آموزش فرزندان وجود دارد؟
۶. چه تفاوتی بین ادراک و نگرش والدین از مشارکت/ مداخله در آموزش بر اساس جنسیت آنان وجود دارد؟

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از یک طرح تحقیق با مدل آمیخته اکتشافی استفاده نمود. در این نوع طرح‌ها، پژوهشگر درصدد زمینه‌یابی درباره‌ی موقعیت نامعین می‌باشد (بازرگان، ۱۳۸۷). از آنجا که پژوهشگر برداشت‌ها و تجارب متفاوت در مورد پدیده «مشارکت و مداخله والدین در آموزش» را در میان والدین و معلمان بررسی و طبقه‌بندی می‌کند؛ لذا پدیدارنگاری^۱ روش مناسبی برای بررسی این پدیده است. به باور برخی محققان (مانند: گال، بورگ و گال، ۲۰۰۵ ترجمه نصر و همکاران، ۱۳۸۶) می‌توان روش پدیدارنگاری را برای پژوهش درباره هر جنبه از واقعیت اجتماعی که افراد درباره آن برداشتی به دست آورده‌اند مورد استفاده قرار داد. در بخش کمی نیز، روش مورد استفاده توصیفی - پیمایشی بود.

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری

تمامی معلمان مدارس دخترانه دوره‌های تحصیلی (ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان) شهر کرمانشاه و والدین دانش‌آموزان آن مدارس میدان اصلی تحقیق بودند. در بخش کیفی مشارکت کنندگان با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و با حداکثر تنوع

۲۰ نفر از معلمان (۱۰ نفر زن، ۱۰ نفر مرد) و ۲۰ نفر از والدین بودند. در نمونه‌گیری بیان شده محقق می‌کوشد تا به صورت هدفدار، بر مبنای این که چه نوع اطلاعات خاصی مورد نیاز است نمونه‌هایی را که دارای زمینه مختلف و دیدگاه‌های متفاوتی درباره موضوع باشند انتخاب نماید.

در بخش کمی نیز با توجه به این که شهر کرمانشاه دارای سه ناحیه آموزش و پرورش بود از هر ناحیه دو مدرسه از مناطق مختلف اقتصادی-اجتماعی به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شد. طبق آمار اعلام شده توسط سازمان آموزش و پرورش کرمانشاه در سال ۱۳۹۱ تعداد معلمان زن ۵۱۰۰ نفر بودند. نخست تعداد چهل نسخه از پرسشنامه تحقیق با پیروی از روش سهمی (عریضی و فراهانی، ۱۳۸۶، ص ۳۳) به منظور انجام پیش پژوهش و تعیین کفایت حجم نمونه در جامعه توزیع گردید. با توجه به محاسبات آماری انجام گرفته تعداد ۴۱۰ نفر به عنوان نمونه کافی تشخیص داده شد. تعداد ۲۰۰ نفر از معلمان و ۲۱۰ نفر از والدین (۱۱۰ نفر زن و ۱۰۰ نفر مرد) شهر کرمانشاه به عنوان نمونه انتخاب شدند. در پایان ۱۹۲ پرسشنامه از والدین و ۱۹۹ پرسشنامه از معلمان گردآوری شد.

ابزار پژوهش

در بخش کیفی پژوهش برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد. این نوع مصاحبه به این دلیل برای تحقیق پدیدارنگارانه مناسب هستند که نه مانند مصاحبه ساخت یافته دست و پای محقق را در تولید اطلاعات می‌بندد و نه مانند مصاحبه عمیق اطلاعات وسیع و گاه غیر ضروری فراهم می‌سازد (محمدپور، ۱۳۹۰).

برای جمع‌آوری داده‌ها در بخش کمی نیز از پرسش‌نامه استفاده گردید که از دو بخش ذیل تشکیل یافته بود: الف) مشخصات فردی (شغل، تحصیلات و جنسیت)، ب) مقیاس نگرش والدین و معلمان به مشارکت آموزش فرزندان، که ترکیبی از گویه‌های محقق ساخته مستخرج از مصاحبه‌های انجام شده و گویه‌های اقتباس شده از کار (لیو و همکاران، ۲۰۱۰) است. گویه‌ها به صورت بسته پاسخ و در مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت (از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) و با قیود زمانی (به ندرت تا همیشه) تنظیم شده‌اند.

یافته‌ها

الف- بخش یافته‌های کیفی تحقیق

سؤالات پروتکل مصاحبه والدین طوری تنظیم شده بود که والدین درباره برداشت‌ها و تجارب خود از مشارکت/ مداخله در آموزش فرزندان، نحوه مشارکت، چگونگی انتخاب نوع مشارکت، نتایج و اهمیت آن مورد سؤال قرار می‌گرفتند. جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها به صورت همزمان انجام شد و پس از اتمام با بررسی و بازخوانی مصاحبه‌ها جملات اصلی استخراج و به صورت کدهایی مشخص گردید. هدف از تحلیل داده‌ها استخراج مقوله‌های توصیف بود. طبق نظر پدیدارنگاران اولیه، تعداد معدودی از مقوله‌های توصیف بیانگر درک سوژه‌ها از پدیده مورد مطالعه است (محمدپور، ۱۳۹۰).

سؤال اول پژوهش: چگونه والدین در آموزش کودکان مشارکت دارند؟ هدف از طرح این سؤال درک چگونگی مشارکت والدین در امر آموزش فرزندانشان بود که از داده‌های مصاحبه سه مقوله: ارتباط مستمر با مدرسه، پیگیری وضعیت تحصیلی و حمایت مالی استخراج شد.

- ارتباط با مدرسه: از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان مشارکت والدین در امر آموزش از طریق ارتباط با مدرسه صورت می‌گیرد که بارزترین نوع آن شرکت در جلسات انجمن اولیاء و مربیان است. یکی از والدین در این زمینه بیان کرد که: "در حال حاضر تنها مشارکتی که من در آموزش فرزندم دارم اینه که تو خونه رو تکالیفش نظارت دارم و با معلمش در مورد پیشرفت تحصیلی‌اش در ارتباط هستم". یکی دیگر از والدین چنین بیان داشت که: "چون بیشترین مشارکت والدین از طریق انجمن است، اگر جلسات این انجمن به طور مکرر و واقعی برگزار بشه، که معمولاً نمی‌شه، تأثیرات کاملاً مثبتی را بر آموزش کودکان می‌ذاره، زیرا در این جلسات نظرات مختلفی در زمینه مسائل تحصیلی ارایه می‌شه که موجب مشارکت اثربخش‌تر می‌شه، اما متأسفانه این گونه جلسات در مدارس روز به روز کم رنگ‌تر می‌شه".

- پیگیری وضعیت تحصیلی: این مقوله شامل کمک به انجام تکالیف مدرسه و راهنمایی فرزندان در امر آموزش می‌شود. مادر دانش‌آموزی گفت: "زمانی که احساس کنم فرزندم از لحاظ تحصیلی افت کرده و یا تلاشش کم شده و بی‌دقتی می‌کند لازم می‌دانم که در آموزش او مداخله کنم". یکی دیگر از والدین چنین بیان داشت: "هرچند وقت یک‌بار به جلسات اولیاء و مربیان می‌روم و از وضعیت آموزشی فرزندم خبردار می‌شوم و در منزل نیز به وضعیت درسی

او رسیدگی می‌کنم."

- پشتیبانی اقتصادی: بعضی از والدین به دلیل نداشتن سواد کافی و داشتن مشغله کاری زیاد قادر به مشارکت یا مداخله در آموزش نمی‌باشند. مثلاً یکی از والدین در این باره بیان کرد که: "من با تهیه امکانات و وسایل مورد نیاز تحصیلی فرزندم یا کمک مالی به مدرسه در آموزش او مشارکت می‌کنم". مقولات اصلی، جزئی و نمونه بیانات مربوط به هر مقوله همراه با تعداد تکرار پاسخ‌ها در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. مؤلفه‌های مستخرج از پاسخ به سؤال اول پژوهش: "والدین چگونه در آموزش کودکانشان مشارکت دارند؟"

مرد	زن	مجموع تکرار پاسخ	نمونه	مقوله جزئی	مقوله اصلی
۴	۸	۱۲	شرکت در جلسات انجمن اولیاء مربیان	ارتباط	۱-۷
۵	۱۲	۱۷	رفتن به مدرسه و گفتگو با معلمان در زنگ تفریح	مستمر با مدرسه	
۶	۱۱	۱۷	کمک در انجام تکالیف مدرسه	پیگیری وضعیت تحصیلی	
۳	۷	۱۰	راهنمایی فرزندان در درس بررسی اوراق امتحانی و کارنامه در منزل		
۱	۲	۳	فراهم کردن امکانات پرداخت شهریه‌ها و هزینه‌ها	حمایت مالی	

سؤال دوم پژوهش: والدین چگونه گونه‌های ویژه مشارکت را بر می‌گزینند؟ هدف از این سؤال بررسی چگونگی انتخاب نوع مشارکت در آموزش توسط والدین بود. بر اساس تحلیل مصاحبه‌های انجام شده عوامل ذیل در تصمیم‌گیری والدین دخیل بودند:

- دعوت از والدین از طرف مدرسه: دعوت از والدین برای هماهنگی فعالیت‌های آموزشی، اداری، مالی، عمرانی و خدمات رفاهی کودکان بر اساس مهارت‌های خاصی که دارند عامل عمده مشارکت والدین در مسایل مدرسه فرزندانشان ذکر شده است. اما یکی از والدین چنین بیان کرد که: "به نظر من کلید اصلی مشارکت در آموزش کودکان ارتباط با خانواده است، زیرا به علت وابستگی بین کودک و خانواده است. طبیعتاً اگر روش‌های یادگیری به دیگر آموزه‌های کودک نزدیک‌تر باشد، نتیجه بهتری را در بردارد و اگر ما خانواده را به مدرسه ربط دهیم در برگیرنده تمام انواع مشارکت است."

- سطح سواد و آگاهی والدین: دسته‌ای دیگر از والدین عواملی مانند میزان تحصیلات و

داشتن آگاهی و تجربه خوشایند در زمینه‌ی شیوه‌های آموزش را به عنوان تعیین کننده نوع مشارکت می‌دانند. معمولاً والدینی که سطح سواد و آگاهی پایین‌تری دارند کمتر در آموزش فرزندان مشارکت می‌کنند و بالعکس. یک معلم با سابقه بیان داشت: "نمی‌توانیم بگوییم که والدین چگونه نوع مشارکت خود را برمی‌گزینند چون در بعضی از مواقع ممکن است یک پدر یا مادر از چند نوع مشارکت برای رفع مشکل تحصیلی و آموزشی فرزندش استفاده کند. بنابراین، نوع انتخاب بستگی به سطح سواد و آگاهی والدین از فرزندان دارد."

- داشتن مهارت‌های خاص: ممکن است والدین توسط معلمان از استعدادها و کودکی خود آگاه شوند. یکی از والدین اظهار داشت که من از طریق تمرین و تکرار، صرف وقت با فرزندم، در خواندن و قرائت متون فارسی و قرآن به او کمک می‌کنم، و املاء و خطاطی تمرین می‌کنیم. گاهی هم با هم ورزش و فعالیت‌های عملی انجام می‌دهیم". یکی از دبیران گفت: "والدین با توجه به شرایط و وقت خود به نوع مشارکت را انتخاب می‌کنند که معمولاً پرورش مهارت‌های کودکان است."

- شرایط و وضعیت زندگی والدین: برخی والدین معتقد بودند که درآمد، تعداد فرزندان، وجود مشکلات جسمی و روحی در بین اعضای خانواده بر انتخاب نوع مشارکت ممکن است تأثیر داشته باشد. والدینی که از لحاظ مالی در رفاه هستند می‌توانند امکانات خوبی را برای تحصیل فرزندان خود تهیه کنند و بالعکس. از لحاظ شرایط خانوادگی نیز والدینی که مشکلات روحی و روانی کمتری در زندگی دارند و از انسجام خانوادگی خوبی برخوردار هستند وقت کافی برای مشارکت در آموزش فرزندان را دارند، ولی والدینی که به دلایل مختلفی از هم جدا شده و یا در زندگی خود مشکلات فراوانی دارند دیگر وقت کافی برای رسیدگی به وضعیت تحصیلی فرزند خود ندارند. یکی از معلمان در این زمینه بیان کرد که: "انتخاب نوع مشارکت بستگی به توان و شرایط زندگی والدین دارد". پدر یکی از دانش‌آموزان که از پر مشغله‌ی خودش می‌نالید گفت: "شرایط و وضعیت زندگی ما تعیین کننده این است که کدام نوع مشارکت را برگزینیم. اگر سرم خلوت باشد بیشتر به فرزندم می‌رسم."

- نگرش والدین به سودمندی آموزش: کمک به فرزندان در مسائل تحصیلی بر حسب نگرش والدین نسبت به سودمندی آموزش فرزندان از عوامل مشارکت در تحصیل آنها است. برای مثال یکی از والدین بیان کرد که: "من با توجه به نوع نگرش خودم نوعی برخورد

را انتخاب می‌کنم." یکی از معلمان گفت: "والدین با توجه به توانایی‌های خود، و وضعیت تحصیلی فرزندانشان و جنسیت فرزندانشان دست به انتخاب می‌زنند که گاه ممکن است چند نوع مشارکت را در برگیرد."

- راهنمایی‌های معلمان: این مورد به رهنمودهای ارائه شده معلمان به والدین در پیشرفت تحصیلی کودکان اشاره دارد. یکی از والدین اظهار داشت که: "مشارکت را با توجه به رهنمودهای معلمان انتخاب می‌کنم و برای این منظور باید حداقل هفته‌ای یکبار به مدرسه رفته و از معلم جویدی حال فرزندان خود شوم". یکی از معلمان بیان داشت که: "والدین می‌توانند با راهنمایی معلمان نوع مشارکت خود را انتخاب کنند که برای انجام آن شرکت فعال در جلسات انجمن اولیاء و مربیان و ارائه پیشنهادات سازنده جهت رفع مشکلات موجود و تقویت روحیه همکاری ضروری است." مقولات اصلی، جزئی و نمونه بیانات مربوط به هر مقوله همراه با تعداد تکرار پاسخ‌ها در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. مؤلفه‌های مستخرج از پاسخ به سؤال دوم پژوهش "والدین چگونه گونه‌های ویژه مشارکت را بر می‌گزینند؟"

مرد	زن	مجموع تکرار پاسخ	نمونه	مقوله‌ی جزئی	مقوله اصلی
۴	۸	۱۲	کمک به فرزندان بر اساس توانایی خود	توانایی والدین و نگرش آنان به سودمندی آموزش	پیشرفت تحصیلی
۴	۳	۷	نگرش والدین نسبت به آموزش و تحصیل	سطح سواد و آگاهی والدین از مسایل آموزشی	
۱	۱۳	۱۴	میزان تحصیلات والدین	آگاهی از استعدادها پرورش مهارت‌ها	
۲	۴	۶	داشتن آگاهی کافی در زمینه‌ی آموزش	شرایط و وضعیت زندگی والدین	
۴	۳	۷	کمک به کشف استعدادهای نهفته‌ی فرزندان	تعامل والدین در همکاری‌های مدرسه	
۲	۲	۴	انتقال تجربه و مهارت آموزی	راهنمایی‌های معلمان	همکاری معلمان
۳	۴	۷	شرایط مالی والدین	شرایط متقابل والدین با معلمان در آموزش	
۲	۶	۸	شرایط خانوادگی والدین		
۴	۶	۱۰	هماهنگی بین فعالیت‌های آموزشی مدرسه و خانه		
۴	۱۲	۱۶	شرکت در جلسات آموزشی مدرسه		
۶	۸	۱۴	پیشنهادات و رهنمودهای معلمان به والدین		
۵	۶	۱۱	همکاری متقابل والدین با معلمان در آموزش		

سؤال سوم پژوهش: چگونه مشارکت والدین تأثیرات مثبتی بر یادگیری دارد؟: پاسخ‌ها به دو مقوله روانی و اجتماعی اشاره داشتند. اگر مشارکت والدین اصولی و هماهنگ با انتظارات

معلمان باشد؛ می‌تواند به پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان کمک کند. در این زمینه دبیر با تجربه‌ای گفت: "مشارکت والدین در آموزش ممکن است همیشه تأثیر مثبت نداشته باشد، اگر والدین سواد کافی نداشته باشند مشارکت آن‌ها نه تنها مفید نخواهد بود بلکه احتمالاً دانش‌آموز دچار تضاد شود. در صورتی تأثیر مثبت خواهد داشت که والدین تحصیلات و مهارت لازم را داشته باشند و هم همسو با شیوه‌های آموزشی باشد."

- مقوله‌ی روانی: مشارکت والدین در امر آموزش فرزندانشان باعث می‌شود که فرزندان احساس کنند که آن‌ها برای والدین خود مهم و با اهمیت هستند، بنابراین مشارکت والدین باعث ایجاد نوعی احساس عزت نفس و اعتماد به نفس در فرزندان می‌شود. در این زمینه یکی از والدین بیان داشت که: "اگر ما مشارکت فعال داشته باشیم فرزندم احساس می‌کند که ما به او اهمیت می‌دهیم، بنابراین روی پیشرفت او تأثیر مثبتی خواهد گذاشت. یکی از معلمان نیز بیان داشت که: "مشارکت والدین در تحصیل دانش‌آموز سبب می‌شود که دانش‌آموز احساس اعتماد به نفس بیشتری در مدرسه داشته باشد و از این که سرنوشت او برای والدینش تا این حد مهم است احساس شادی و غرور می‌کند."

- مقوله‌ی اجتماعی: ممکن است مدرسه بیشتر به وضعیت درسی و آموزشی دانش‌آموزان رسیدگی کنند و کمتر به تربیت دیگر ابعاد شخصیتی دانش‌آموزان توجه نمایند. بنابراین والدین باید در جلسات انجمن آگاه‌تر شوند که هر نوع رفتار و خلق و خوی آن‌ها در خانه بر روی فرزندانشان تأثیر می‌گذارد. بنابراین، والدین رفتارهای مناسب، تجربیات مفید، حس رقابت سالم و کار گروهی را به دانش‌آموزان انتقال می‌دهند. هرچند بعضی والدین برای این که از والدین دیگر عقب نمانند در آموزش فرزندشان مشارکت می‌کنند. یکی از معلمان اظهار داشت: "اگر مدارس بتوانند از حس رقابت والدین به صورت اصولی در جهت پیشرفت آموزشی دانش‌آموزان استفاده کنند، شاهد پیشرفت چشمگیری در دانش‌آموزان خواهیم بود." مقولات اصلی، جزئی و نمونه بیانات مربوط به هر مقوله همراه با تعداد تکرار پاسخ‌ها در جدول ۳ آمده است.

ب- تحلیل‌های بخش کمی تحقیق

شاخص‌های روان‌سنجی ابزار تحقیق

روایی: ابتدا با درخواست پژوهشگران نسخه انگلیسی مقیاس نگرش والدین و معلمان

جدول ۳. مؤلفه‌های مستخرج از پاسخ به سؤال سوم پژوهش: "چگونه مشارکت والدین تأثیرات مثبتی بر یادگیری دارد؟"

مرد	زن	مجموع تکرار پاسخ	نمونه	مقوله‌ی جزئی	مقوله‌ی اصلی
۱	۸	۹	ایجاد حس اعتماد به نفس در فرزندان	احساس عزت نفس	روانی
۲	۱۰	۱۲	ایجاد علاقه و ترغیب در دانش‌آموزان	تشویق	
۵	۴		شناخت ویژگی‌های روانی، جسمانی و استعداد‌های دانش‌آموزان	وضعیت روحی و روانی	
۳	۵	۸	تقویت حس مسئولیت در فرزندان	احساس مسئولیت‌پذیری	
۲	۵	۷	ایجاد زمینه‌های رفتاری مناسب و همسو با تربیت مدرسه	اخلاق	اجتماعی
۲	۴	۶	انتقال تجربیات مفید و موفق به فرزندان	تجربیات قبلی	
۱	۲	۳	ایجاد حس رقابت و کار گروهی	رقابت	

به مشارکت در آموزش از سازندگان آن (لیو و همکاران، ۲۰۱۰) دریافت شد. پس از ترجمه به فارسی برای بررسی روایی صوری از نظر متخصصان روان‌شناسی و علوم تربیتی بهره‌گیری شد. با توجه به جرح و تعدیل‌های انجام شده در گویه‌های مقیاس مذکور و استفاده از یافته‌های مصاحبه‌ها، روایی محتوایی آن با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی آزمون شد که نتایج آن در ذیل آمده است:

جدول ۴. آزمون کرویت بارتلت و کفایت نمونه برای مقیاس‌های مورد استفاده در تحقیق

مقیاس نگرش معلمان به مشارکت				مقیاس نگرش والدین به مشارکت			
آزمون کرویت بارتلت		آزمون (KMO)		آزمون کرویت بارتلت		آزمون (KMO)	
P	df	X ²	کفایت نمونه	P	Df	X ²	کفایت نمونه
۰/۰۰۰۱	۷۸۰	۳۰۴۱/۲۹	۰/۷۵۸	۰/۰۰۰۱	۱۳۷۸	۴۴۰۲/۷۵	۰/۷۲۶

جدول ۴ نشان می‌دهد که شاخص‌های کفایت نمونه و مجذورکای محاسبه شده برای آزمون کرویت بارتلت برای دو مقیاس مورد استفاده در تحقیق در سطح آماری (۰/۰۰۰۱) معنی‌دار می‌باشند. یعنی فرض واحد بودن ماتریس همبستگی رد شده و حجم نمونه و داده‌ها برای انجام تحلیل عاملی مناسب و کافی هستند. جدول ۵ نتایج تحلیل عاملی مقیاس نگرش

والدین نسبت به مشارکت در آموزش فرزندان نشان را نشان می‌دهد. همبستگی هر ۲۹ گویه مربوط به عامل‌های شش گانه مقیاس بیشتر از ۰/۳۰ است. مقادیر ویژه عامل‌ها همگی بالاتر از عدد یک هستند. عامل اول (مسئولیت والدین)، با ارزش ویژه ۶/۵۲، معادل ۱۲/۳۱ درصد و عامل ششم (نقش مدرسه) با ارزش ویژه ۱/۶۹، معادل ۳/۱۸ درصد کل واریانس را تبیین کردند که به ترتیب بیشترین و کمترین سهم را در تبیین واریانس مقیاس فوق برعهده داشتند. عامل‌ها بر روی هم کلاً ۴۳/۳۸ درصد کل واریانس را تبیین کردند. بنابراین اعتبار عاملی و روایی محتوایی مقیاس با قبول پیش فرض‌های مربوطه مناسب است.

جدول ۵. نتایج تحلیل عاملی مقیاس "نگرش والدین نسبت به مشارکت در آموزش فرزندان"

ردیف	عامل	گویه‌ها	مشخصات		مقدار ویژه	درصد واریانس تبیین شده	درصد واریانس تجمعی
			میانگین	انحراف معیار			
۱	مسئولیت والدین در قبال فرزندان	اطلاع از وضعیت یادگیری فرزندان در مدرسه	۱/۲۶	۰/۵۴	۶/۵۲	۱۲/۳۱	۱۲/۳۱
		آگاه کردن فرزندان در مورد اهمیت تکالیف مدرسه	۱/۵۴	۰/۷۷			
		نشان دادن چگونگی استفاده از منابع به فرزندان	۱/۸۲	۰/۷۹			
		ارزیابی فرزندان از آن چه که در مدرسه آموخته اند	۲/۲۳	۱/۱۳			
		کمک به فرزندان در درک تکالیف مدرسه	۱/۶۷	۰/۸۲			
۲	زمان تشویق فرزندان توسط والدین	دوست ندارند تکالیف مدرسه را انجام دهند	۲/۲۳	۱/۲۵	۶/۰۵	۱۱/۴۲	۲۳/۸۳
		نگران سازماندهی تکالیف مدرسه‌شان هستند	۲/۱۸	۱/۴۰			
		در مورد موضوعات درسی اطلاعات جستجو می‌کنند	۱/۹۰	۰/۸۲			
		علاقه آن‌ها در مورد انجام تکالیف مدرسه توسعه یابد	۱/۶۲	۰/۷۵			
		بر روی مسائلی که باید حل شوند تمرین داشته باشند	۱/۸۱	۰/۸۰			
		برای حل مسائل سخت درخواست کمک می‌نمایند	۱/۹۵	۱/۰۶			
		می‌خواهند چیزهای جدیدی یاد بگیرند	۱/۵۴	۰/۵۹			
		تلاش می‌کنند تا آن‌جا که ممکن است یاد بگیرند	۱/۵۸	۰/۶۸			

ادامه جدول ۵. نتایج تحلیل عاملی مقیاس "نگرش والدین نسبت به مشارکت در آموزش فرزندان"

ردیف	عامل	گویه‌ها	مشخصات		بار عاملی	مقدار ویژه	درصد واریانس تبیین شده	درصد واریانس تجمعی
			انحراف معیار	میانگین				
۳	زمان حمایت والدین از فرزندان	می‌خواهند یاد بگیرند که چگونه مسایل را حل کنند	۱/۶۱	۰/۷۰	۰/۴۱	۴/۲	۷/۹۱	۳۱/۶۴
		روی یک مسأله تمرین کنند تا زمانی که آن را حل کنند	۱/۶۸	۰/۷۷	۰/۳۷			
		بخواهند روش جدیدی برای انجام تکالیف مدرسه بیابند	۱/۷۴	۰/۸۶	۰/۴۶			
۴	نیاز فرزندان به راهنمایی والدین	بخواهند چگونگی سازگاری با دیگران را فراگیرند	۱/۷۰	۰/۷۲	۰/۴۹	۲/۷	۵/۱	۳۶/۷۵
		بخواهند چیزهای مورد علاقه‌شان را یاد بگیرند	۱/۶۵	۰/۷۴	۰/۳۸			
		مسایلی که به یادگیری بیشتر کمک می‌کند بیابند	۱/۶۱	۰/۷۲	۰/۳۷			
		وقتی که بعضی چیزها را نمی‌فهمند سؤال کنند.	۱/۳۴	۰/۴۹	۰/۳۶			
۵	رابطه مشارکت والدین با پیشرفت تحصیلی	ایجاد توقعات بالا برای فرزندان	۲/۸۲	۱/۴۴	۰/۶۲	۱/۸۲	۳/۴۵	۴۰/۲۰
		پافشاری بر تلاش برای شایستگی‌های بالاتر	۲/۱۴	۱/۲۴	۰/۶۰			
		ایجاد نظم و ترتیب روزمره در منزل	۱/۷۹	۰/۹۳	۰/۶۷			
		گفتگو درباره وقایع مدرسه به طور مرتب با فرزندشان	۲/۰۰	۱/۰۶	۰/۵۸			
		نظارت بر پیشرفت تحصیلی فرزندانشان	۱/۳۰	۰/۶۵	۰/۵۶			
۶	نقش مدرسه در آموزش والدین	والدین را در کارگاه‌های آموزشی تربیتی آماده کنند	۱/۶۱	۰/۷۱	۰/۵۴	۱/۶۹	۳/۱۸	۴۳/۳۸
		ارتباط والدین با معلمان از طریق مختلف فراهم شود	۱/۵۲	۰/۶۳	۰/۵۹			
		جلسات انجمن اولیا و مربیان را برنامه‌ریزی کنند	۱/۵۵	۰/۶۶	۰/۴۸			
		گزارش تحصیلی دانش‌آموز را ماهانه به والدین بدهند	۱/۴۲	۰/۶۱	۰/۵۱			

جدول ۶ که نتایج تحلیل عاملی مقیاس نگرش معلمان را نسبت به مشارکت والدین در آموزش فرزندانشان را نشان می‌دهد گویای آن است که رابطه‌ی هر همبستگی هر ۳۸ گویه مربوط به عامل‌های هشت گانه مقیاس بیشتر از ۰/۳۰ است. مقادیر ویژه همه بالاتر از عدد یک

هستند. عامل اول (مسئولیت والدین)، با ارزش ویژه ۶/۶۹، معادل ۱۶/۷۲ درصد و عامل هشتم (دلیل عدم مشارکت والدین در آموزش) با ارزش ویژه ۱/۳۷، معادل ۳/۸۴ درصد به ترتیب بیشترین و کمترین سهم را در تبیین واریانس مقیاس فوق برعهده داشتند. عامل‌ها بر روی هم کلاً ۵۵/۳ درصد کل واریانس را تبیین کردند.

جدول ۶. نتایج تحلیل عاملی مقیاس "نگرش معلمان نسبت به مشارکت والدین در آموزش فرزندان"

ردیف	عامل	گویه‌ها	مشخصات		مقدار ویژه	درصد واریانس تبیینی	درصد واریانس تجمعی
			SD	M			
۱	مسئولیت والدین در قبال فرزندان	اطلاع از وضعیت یادگیری فرزندان در مدرسه	۰/۴۲	۱/۲۰	۶/۶۹	۱۶/۷۲	۱۶/۷۲
		آگاه کردن فرزندان در مورد اهمیت تکالیف مدرسه	۰/۴۷	۱/۴۸			
		نشان دادن چگونگی استفاده از منابع به فرزندان	۰/۳۳	۱/۶۶			
		ارزیابی فرزندان از آن چه که در مدرسه آموخته‌اند	۰/۳۷	۲/۳۴			
		کمک به فرزندان در درک تکالیف مدرسه	۰/۳۹	۱/۷۹			
۲	زمان تشویق فرزندان توسط والدین	دوست ندارند تکالیف مدرسه را انجام دهند	۰/۴۲	۲/۱۲	۴/۶۱	۱۱/۵۳	۲۸/۲۵
		نگران سازماندهی تکالیف مدرسه‌شان هستند	۰/۳۲	۱/۹۷			
		در مورد موضوعات درسی اطلاعات جستجو می‌کنند	۰/۵۹	۱/۷۸			
		علاقه آن‌ها در مورد انجام تکالیف مدرسه توسعه یابد	۰/۳۶	۱/۵۱			
		بر روی مسایلی که باید حل شوند تمرین داشته باشند	۰/۳۷۲	۱/۶۷			
		برای حل مسایل سخت درخواست کمک می‌نمایند	۰/۴۲۸	۲/۰۱			
۳	زمان حمایت والدین از فرزندان	می‌خواهند چیزهای جدیدی یاد بگیرند	۰/۳۲۲	۱/۵۵	۲/۴۹	۶/۲۳	۳۴/۴۸
		تلاش می‌کنند تا آنجا که ممکن است یاد بگیرند	۰/۳۵۹	۱/۵۴			
		می‌خواهند یاد بگیرند که چگونه مسایل را حل کنند	۰/۳۳۱	۱/۵۸			
		روی مساله تمرین کنند تا زمانی که آن را حل کنند	۰/۴۵۹	۱/۶۳			

ردیف	عامل	گویه‌ها	مشخصات		بار عاملی	مقدار ویژه	درصد واریانس تبیینی	درصد واریانس جمعی
			SD	M				
		بخواهند روش جدیدی برای انجام تکالیف مدرسه بیابند	۰/۳۲۵	۰/۷۱	۱/۵۴			
۴	نیاز فرزندان به راهنمایی والدین	بخواهند چگونگی سازگاری با دیگران را فراگیرند	۰/۵۸	۰/۷۲	۱/۵۹	۲/۰۳	۵/۰۹	۳۹/۵۷
		بخواهند چیزهای مورد علاقه‌شان را یاد بگیرند	۰/۵۳	۰/۶۹	۱/۶۵			
		مسایلی که به یادگیری بیشتر کمک می‌کند بیازمایند	۰/۳۳	۰/۷۰	۱/۶۰			
		وقتی که بعضی چیزها را نمی‌فهمند سؤال کنند.	۰/۳۸	۰/۵۸	۱/۴۰			
۵	نقش مدرسه در توجیه والدین	والدین را در کارگاههای آموزشی تربیتی آماده کنند	۰/۵۹	۱/۴۲	۲/۶۴	۱/۶۴	۴/۱۱	۴۳/۶۸
		ارتباط والدین با معلمان از طریق مختلف فراهم شود	۰/۴۶	۱/۴۴	۳/۴۸			
		جلسات انجمن اولیا و مربیان را برنامه‌ریزی کنند	۰/۶۹	۱/۳۲	۳/۲۸			
		گزارش تحصیلی دانش‌آموز را ماهانه به والدین بدهند	۰/۶۱	۱/۲۹	۲/۸۹			
۶	دلیل عدم ارتباط معلمان با والدین	والدین را به عنوان تهدید می‌بینند	۰/۳۸	۱/۳۳	۳/۳۲	۱/۵۶	۳/۹۰	۴۷/۵۸
		اهمیت نقش والدین را در آموزش درک نمی‌کنند	۰/۳۷	۱/۳۵	۳/۱۴			
		براین باورند که شغل آنها تماس با والدین نیست	۰/۳۳	۱/۲۳	۳/۳۹			
		فاقد مهارت‌های برقراری ارتباط با والدین هستند	۰/۳۹	۱/۲۳	۳/۴۱			
۷	رابطه مشارکت والدین با پیشرفت تحصیلی	ایجاد توقعات بالا برای فرزندان.	۰/۳۴	۱/۳۸	۲/۶۲	۱/۵۴	۳/۸۸	۵۱/۴۶
		پافشاری بر تلاش برای شایستگی‌های بالاتر	۰/۳۶	۱/۲	۲/۲۵			
		ایجاد نظم و ترتیب روزمره در منزل	۰/۴۹	۰/۹۹	۲/۰۷			
		گفتگو درباره وقایع مدرسه به طور مرتب با فرزندان	۰/۵۵	۰/۹۴	۱/۷۵			
		نظارت بر پیشرفت تحصیلی فرزندان	۰/۳۲	۰/۶۷	۱/۳۳			
۸	دلیل عدم مشارکت والدین	والدین از طرف مدرسه آگاه نشده‌اند	۰/۳۷	۰/۶۸	۱/۵۸	۱/۳۷	۳/۸۴	۵۵/۳
		والدین اهمیت نقش خود را	۰/۳۲	۰/۶۴	۱/۵۱			

درصد واریانس تجمعی	درصد واریانس تبیینی	مقدار ویژه	بار عاملی	مشخصات		گویه‌ها	عامل	ردیف
				SD	M			
						درک نکرده‌اند	در آموزش	
			۰/۳۶	۰/۶۵	۱/۵۲	از قبل احساسات منفی در مورد مدرسه داشته‌اند		
			۰/۵۶	۰/۶۶	۱/۵۲	باور نمی‌کنند که معلمان واقعاً نگران فرزندانشان باشند		
			۰/۶۴	۱/۲۷	۲/۷۸	از مشکل فرزندشان را از مدرسه مطلع می‌شوند		

نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که اعتبار عاملی و روایی محتوای مقیاس نگرش معلمان نسبت به مشارکت والدین در آموزش فرزندان با قبول پیش فرض‌های مربوطه برای اجرا مناسب است.

پایایی: برای بررسی همسانی درونی گویه‌ها از روش ضریب آلفای کرانباخ استفاده گردید که نتایج آن در جدول ۷ آمده است.

جدول ۷. ضرایب همسانی درونی مقیاس‌های پرسشنامه‌های تحقیق

عامل‌ها	تعداد گویه	ضریب آلفا برای پرسشنامه والدین (تعداد نمونه ۱۹۲ نفر)	ضریب آلفا برای پرسشنامه معلمان (تعداد نمونه ۱۹۹ نفر)
مسئولیت والدین در قبال فرزندان	۵	۰/۷۴	۰/۷۵
زمان تشویق فرزندان توسط والدین	۶	۰/۸۸	۰/۹۰
زمان حمایت والدین از فرزندان	۵	۰/۷۳	۰/۷۵
نیاز فرزندان به راهنمایی والدین	۴	۰/۷۱	۰/۷۴
رابطه مشارکت والدین با پیشرفت تحصیلی	۵	۰/۷۴	۰/۷۵
نقش مدرسه در آموزش والدین	۴	۰/۷۲	۰/۷۶
دلیل عدم ارتباط معلمان با والدین	۴	-	۰/۷۱
دلیل عدم مشارکت والدین در آموزش	۵	-	۰/۷۸
کل پرسش‌نامه	-	۰/۷۵	۰/۷۷

همان گونه که مشاهده می‌شود، ضرایب مربوط به مؤلفه‌ها و کل گویه‌های هر دو مقیاس مورد استفاده در سطح رضایت بخش (بالای ۰/۷۰) بوده که حاکی از همگونی و همسانی گویه‌های پرسش‌نامه‌ها هستند.

یافته‌های بخش کمی به صورت توصیفی و استنباطی بر اساس سؤالات تحقیق انجام

می‌گیرد:

بخش توصیفی: شامل تحلیل داده‌های حاصل از بخش اول پرسشنامه است.

سؤال تحقیق ۴: مشارکت/ مداخله والدین در آموزش فرزندانشان در چه سطحی است؟

در این رابطه نخست از والدین سؤال شد که "چقدر با معلمان فرزندانان در ارتباط هستید؟" که از ۱۹۳ نفر پاسخ دهنده فقط ۱۲/۴٪ (۲۴ نفر) اظهار داشتند که با معلمان زیاد در ارتباط هستند، در عوض ۵۴/۹٪ (۱۰۶ نفر) اعلام کرده بودند که در سطح کمی در ارتباط هستند. هم چنین، از والدین پرسیده شد "چقدر از مشکلات آموزشی فرزندانان در مدرسه آگاه هستید؟" هم چنان که از روی پاسخ‌های سؤال اول پیش بینی می‌شد فقط ۷/۸٪ (۱۶ نفر) از والدین اعلام کرده‌اند که از مشکلات آموزشی فرزندانان آگاهند و درمقابل ۷۱٪ (۱۳۷ نفر) اعلام کرده که اطلاع کمی از وضعیت آموزشی دارند. فراوانی پاسخ‌های والدین به چگونگی مشارکت در آموزش فرزندانان در جدول ۸ ارایه شده است.

جدول ۸. فراوانی پاسخ والدین نسبت به میزان و چگونگی مشارکت در آموزش فرزندانان

همیشه		بعضی وقت‌ها		به ندرت		چند وقت یکبار شما اقدامات ذیل را در مورد فرزندانان انجام می‌دهید؟
فراوانی درصد	درصد	فراوانی درصد	درصد	فراوانی درصد	درصد	
۲۰/۲	۳۹	۲۴/۹	۴۸	۵۴/۴	۱۰۵	داوطلبانه در برنامه‌های مدرسه شرکت می‌کنید.
۳۶/۳	۷۰	۱۹/۲	۳۷	۴۴	۸۵	در مورد تکالیفی که فرزندانان به خانه می‌آورد، گفتگو می‌کنید
۳۱/۱	۶۰	۲۲/۳	۴۳	۴۶/۱	۸۹	از فرزندانان درباره چیزی در مدرسه یاد گرفته سؤال می‌کنید
۳۶/۳	۷۰	۳۰/۶	۵۹	۳۲/۶	۶۳	با معلم فرزندانان صحبت می‌کنید.
۳۹/۹	۷۷	۳۱/۶	۶۱	۲۸	۵۴	به فرزندانان در انجام تکالیف کمک می‌کنید.
۲۶/۹	۵۲	۱۳	۲۵	۵۹/۶	۱۱۵	به فرزندانان کمک می‌کنید که خودش را برای امتحانات آماده کند.
۳۳/۷	۶۵	۲۳/۸	۴۶	۴۲	۸۱	از فرزندانان می‌پرسید که چه کار خوبی در مدرسه انجام داده است.
۵۲/۸	۱۰۱	۱۹/۲	۳۷	۲۸	۵۴	به مراسمات ورزشی، هنری یا مذهبی مدرسه می‌روید.
۲۷/۵	۵۳	۱۷/۶	۳۴	۵۴/۴	۱۰۵	بررسی می‌کنید که آیا فرزندانان تکلیفش را تمام کرده است.

همچنان که جدول ۸ نشان می‌دهد فقط حدود ۲۰٪ از والدین اظهار داشته‌اند که داوطلبانه به برنامه‌های مدرسه می‌روند. علاوه بر این، تنها حدود ۳۵٪ والدین مشارکت کننده در تحقیق بیان داشته‌اند که درمورد تکالیفی که بچه‌ها به خانه می‌آورند با آن‌ها گفت و گو می‌کنند و حتی بیش از نیمی از پاسخگویان اذعان داشته‌اند که اتمام یا تکمیل تکالیف روزانه بچه‌هایشان را بررسی نمی‌کنند. حدود ۳۰٪ از آن‌ها اعلام کرده‌اند که از فرزندانشان درباره مطالبی که در مدرسه آموخته‌اند می‌پرسند. هم چنین، حدود ۶۴ درصد از والدین اعلام داشته‌اند که به ندرت با معلمان فرزندانشان صحبت می‌کنند که نشان دهنده ارتباط ضعیف بین والدین و معلمان است. در زمینه کمک به انجام تکالیف نیز وضع تقریباً به همین منوال است. نکته جالب آن که ۴۲ درصد والدین اظهار داشته‌اند که به ندرت از بچه‌هایشان می‌پرسند که چه کارهای خوبی در مدرسه انجام داده‌اند. اما در خصوص شرکت در مراسمات هنری و مذهبی مدرسه بیش از نیمی از والدین بیان داشته‌اند که به مجالس مذکور می‌روند که با دعوت از مدسه انجام می‌گیرد. پاسخ‌های به دست آمده حاکی از این است که مداخله در آموزش فرزندان از طرف والدین بسیار نادر است و درصد بسیار پایینی از والدین در صورت برنامه‌ریزی و ارسال دعوتنامه از طرف مدرسه احتمالاً در برنامه‌های آموزشی فرزندانشان مشارکت کنند.

بخش استنباطی

سؤال تحقیق ۵: چه تفاوت‌هایی بین ادراک والدین و معلمان از مشارکت/ مداخله در آموزش فرزندان وجود دارد؟ نتایج مقایسه میانگین‌های شش مؤلفه مشترک بین پرسشنامه‌های بررسی نگرش والدین و معلمان در مورد مشارکت والدین در آموزش فرزندانشان در جدول ۱۰ نشان داده شده است. قبل از استفاده از آزمون تی با گروه‌های مستقل، پیش فرض تساوی واریانس میانگین نمرات گروه‌ها در متغیرهای اصلی تحقیق با استفاده از آزمون لوین بررسی گردید که نتایج آن در جدول ۹ آمده است.

همان گونه که در جدول ۹ آمده است، فرض صفر برای تساوی واریانس‌ها نمرات دو گروه در متغیرهای اصلی تحقیق تأیید می‌گردد، چون مقادیر سطح معناداری همگی بالاتر از ۰/۰۵ است.

جدول ۹. آزمون لوین در مورد پیش فرض تساوی میانگین نمرات گروه‌های مشارکت‌کننده در مؤلفه‌های مشارکت در آموزش

ردیف	متغیر	F آماره	درجه آزادی اول	درجه آزادی دوم	سطح معناداری
۱	مسئولیت والدین در قبال فرزندان	۰/۰۵۵	۱	۳۸۹	۰/۸۱۵
۲	زمان تشویق فرزندان توسط والدین	۰/۳۱۹	۱	۳۸۹	۰/۵۷۲
۳	زمان حمایت والدین از فرزندان	۰/۱۷۴	۱	۳۸۹	۰/۶۷۷
۴	نیاز فرزندان به راهنمایی والدین	۰/۹۷۴	۱	۳۸۹	۰/۳۲۴
۵	رابطه مشارکت با پیشرفت تحصیلی	۰/۱۲۰	۱	۳۸۹	۰/۷۲۹
۶	نقش مدرسه در آموزش والدین	۲/۹۰	۱	۳۸۹	۰/۰۸۹

جدول ۱۰. مقایسه میانگین‌های مؤلفه‌های مشارکت والدین در آموزش بین گروه‌های مشارکت‌کننده

ردیف	متغیرها	والدین (تعداد ۱۹۲)		معلمان (تعداد ۱۹۹)		مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار			
۱	مسئولیت والدین در قبال فرزندان	۱/۷	۰/۵۵	۱/۶۹	۰/۵۴	۰/۲۳	۳۸۹	۰/۸۱
۲	زمان تشویق فرزندان توسط والدین	۲/۴۵	۰/۵۳	۱/۷۹	۰/۵۳	۲/۸	۳۸۹	۰/۰۲
۳	زمان حمایت والدین از فرزندان	۱/۶۳	۰/۴۵	۱/۵۷	۰/۴۸	۱/۲	۳۸۹	۰/۲۱
۴	نیاز فرزندان به راهنمایی والدین	۱/۵۸	۰/۴۲	۱/۵۶	۰/۵۰	۰/۳۲	۳۸۹	۰/۷۴
۵	رابطه مشارکت با پیشرفت تحصیلی	۲/۰۱	۰/۶۴	۲/۰۰	۰/۶۱	۰/۱۰	۳۸۹	۰/۹۱
۶	نقش مدرسه در آموزش والدین	۱/۵۳	۰/۳۹	۱/۵۳	۰/۴۷	۰/۱۴	۳۸۹	۰/۸۸

یافته‌های ارایه شده در جدول ۱۰ گویای این است که از بین شش مؤلفه تنها مؤلفه تشویق فرزندان توسط والدین تفاوت معنی‌داری از خود نشان داده است. میانگین نمره والدین از معلمان بیشتر بود و بیانگر آن است والدین در تشویق فرزندانشان نگرش مثبت‌تری نسبت به معلمان دارند.

سؤال تحقیق ۶: چه تفاوت‌هایی بین ادراک و نگرش والدین از مشارکت در آموزش بر اساس جنسیت آنان وجود دارد؟ با توجه به این که در نمونه والدین هم از مادران و هم از پدران دانش‌آموزان استفاده شده است، مؤلفه‌های اصلی پرسش‌نامه از دیدگاه هر دو گروه باهم

مقایسه گردید که نتایج آن در جدول ۱۲ ارایه شده است. پیش از استفاده از آزمون تی با گروه‌های مستقل، پیش فرض تساوی واریانس میانگین نمرات گروه‌ها در متغیرهای اصلی تحقیق با استفاده از آزمون لوین بررسی گردید که نتایج آن در جدول ۱۱ آمده است.

جدول ۱۱. آزمون لوین در مورد پیش فرض تساوی میانگین نمرات والدین در مؤلفه‌های مشارکت در آموزش

ردیف	متغیر	F آماره	درجه آزادی اول	درجه آزادی دوم	سطح معناداری
۱	مسئولیت والدین در قبال فرزندان	۲/۴۳	۱	۱۹۰	۰/۱۲۰
۲	زمان تشویق فرزندان توسط والدین	۰/۱۵۴	۱	۱۹۰	۰/۶۹۵
۳	زمان حمایت والدین از فرزندان	۱/۹۵	۱	۱۹۰	۰/۱۶۴
۴	نیاز فرزندان به راهنمایی والدین	۲/۲۸	۱	۱۹۰	۰/۱۳۲
۵	رابطه مشارکت با پیشرفت تحصیلی	۰/۰۲۹	۱	۱۹۰	۰/۸۶۴
۶	نقش مدرسه در آموزش والدین	۰/۰۳۶	۱	۱۹۰	۰/۸۴۹

همان گونه که در جدول ۱۱ آمده است، فرض صفر برای تساوی واریانس‌ها نمرات دو گروه در متغیرهای اصلی تحقیق تأیید می‌گردد، چون مقادیر سطح معناداری همگی بالاتر از ۰/۰۵ است.

جدول ۱۲. مقایسه میانگین مؤلفه‌های مشارکت والدین در آموزش فرزندانشان بر اساس جنسیت

ردیف	متغیرها	زن (تعداد ۱۲۵)		مرد (تعداد ۶۷)		مقدار T	درجه آزادی	سطح معناداری
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار			
۱	مسئولیت والدین در قبال فرزندان	۱/۷۷	۰/۵۸	۱/۵۸	۰/۴۷	۲/۴۲	۱۹۰	۰/۰۲
۲	زمان تشویق فرزندان توسط والدین	۱/۹۱	۰/۵۳	۱/۸۴	۰/۵۶	۰/۸۳	۱۹۰	۰/۴
۳	زمان حمایت والدین از فرزندان	۱/۶۰	۰/۴۴	۱/۶۸	۰/۴۷	۱/۰۳	۱۹۰	۰/۳
۴	نیاز فرزندان به راهنمایی والدین	۱/۵۷	۰/۴۰	۱/۵۸	۰/۴۵	۰/۲۲	۱۹۰	۰/۸
۵	رابطه مشارکت با پیشرفت تحصیلی	۲/۹۰	۱/۱۳	۱/۰۷	۱/۱۱	۰/۹۵	۱۹۰	۰/۳
۶	نقش مدرسه در آموزش والدین	۲/۱۵	۰/۷۹	۲/۲۰	۰/۸۴	۰/۳۵	۱۹۰	۰/۷

از بین شش مؤلفه اصلی پرسشنامه نگرش والدین به مشارکت در آموزش فرزندان فقط در مؤلفه (مسئولیت والدین در قبال فرزندان) بین میانگین‌های نظرات پدران و مادران تفاوت وجود داشت. میانگین نمرات مادران بیشتر از پدران دانش‌آموزان بود. بیانگر این مطلب است که مادران در مقایسه با پدران در نمونه انتخابی تحقیق احساس مسئولیت بیشتری در زمینه وظایف والدین در زمینه مشارکت در آموزش برای خود قایل بودند.

بحث و نتیجه‌گیری

تحقیقات گسترده‌ی بین‌المللی از پتانسیل مشارکت/ دخالت والدین برای بهبود موفقیت‌های علمی و برآیندهای اجتماعی بچه‌ها در تمام سنین حمایت می‌کنند (دسفورگس و آبوچار، ۲۰۰۳؛ جینس، ۲۰۰۷). بیشتر مدارس اثربخش اکنون به طور گسترده‌ای آن را تشویق و حمایت می‌کنند و دخالت والدین و اعضای دیگر خانواده را در آموزش فرزندان نشان مورد ملاحظه و بررسی قرار می‌دهند (هندرسون و ماپ، ۲۰۰۲). با وجود تصدیق‌های گسترده از این مزایای بالقوه، شکاف‌های واضحی بین لفاظی‌ها درباره دخالت والدین و شیوه‌های ویژه دخالت والدین در مدارس وجود دارد.

درباره تأثیر برنامه‌های مدرسه در افزایش درگیری والدین بحث و گفتگوی زیادی وجود دارد. تحقیقات متعددی تأثیر مثبت برنامه‌های درگیر کردن والدین را نشان داده‌اند، اما تحقیقات دیگری وجود دارند که نتوانسته‌اند چنین منافعی را پیدا کنند (اسلاوین، ۲۰۰۶؛ ترجمه سید محمدی، ۱۳۸۵). اگر وضعیت خانواده عامل مهمی در توجیه تفاوت‌های موجود در پیشرفت دانش‌آموزان باشد، در این صورت، چنین برمی‌آید که درگیر کردن خانواده‌ها برای کمک کردن به موفقیت فرزندان در مدرسه می‌تواند بخشی از راه حل باشد.

نتایج بخش کیفی تحقیق حاضر در خصوص مشارکت والدین در آموزش کودکان نشان حاکی از آن بود که والدین مفاهیم مشارکت یا مداخله را با مقولاتی چون ارتباط مستمر با مدرسه، پیگیری وضعیت نمرات درسی، پرداخت شهریه و هزینه‌ها سرویس یا برنامه‌های فوق العاده تعبیر می‌کردند. هم چنین، رسیدگی و نظارت بر انجام مشق شب یا تکالیف، راهنمایی درسی و کمک در حل مسایل، سؤال و جواب، تمرین املاء و کمک در نوشتن انشاء را نیز به عنوان مصادیق بارز شیوه مشارکت برمی‌شمردند. چنین برمی‌آید که هیچ کدام از والدین

مصاحبه شونده تعمداً و به منظور مداخله و درگیر کردن خود در فرایندهای آموزشی دست به اقدام نزده‌اند. به عنوان مثال، هیچ کدام از آنان دلیل علمی برای مشارکت خود نداشتند و مسؤول اصلی و نهایی یادگیری فرزندانشان را مدرسه می‌دانستند. در صحبت‌های والدین هیچ گونه اشاره‌ای به هم فکری والدین با همدیگر نشده است و همگی به صورت انفرادی اقدام می‌کردند. در صورتی که می‌توان به ایجاد انجمن‌های غیردولتی و غیر انتفاعی والدین اندیشید. از جمله اقدامات جمعی والدین در کشورهای خارجی می‌توان به تعاملات والدین در زمینه آموزش فرزندانشان در شهرهای آمریکا اشاره کرد که از دهه ۱۹۹۰ والدین داوطلب با شرکت در شبکه‌هایی مانند "شبکه والدین برکلی"^۱، "شبکه تعامل والدین، خانواده و جامعه برای مشارکت"^۲، شبکه ملی مدرسه مشارکتی"^۳ برای هم‌اندیشی در مورد مسایل آموزش و پرورش، مداخله و اثرگذاری همکاری می‌نمایند (کریستنسن و رشلی^۴، ۲۰۱۰).

مشارکت کنندگان در پژوهش همچنین عوامل ذیل را در انتخاب فعالیت‌های مربوط به مشارکت مؤثر برشمردند: میزان دعوت و ارسال نامه مشارکت از طرف مدارس، سواد و مدرک تحصیلی، آگاهی از مسایل آموزش و پرورش، داشتن مهارت‌های خاص فنی که بتوان به مدرسه کمک کرد و شرایط شغلی و خانوادگی، دیدگاه خانواده در مورد سودمند بودن آموزش و جایگاه تحصیلات و توصیه‌های معلمان فرزندانشان. به نظر می‌رسد هنوز مفهوم مداخله و درگیر شدن داوطلبانه در فرایند آموزش کودکان در جامعه ما نهادینه نشده است؛ هرچند می‌توان چگونگی گونه‌های مشارکت را به صورت مستقیم و غیرمستقیم دسته‌بندی کرد. اما به نظر می‌رسد که تجارب چندان متفاوتی در بین والدین در این زمینه وجود نداشت.

در زمینه تأثیر مشارکت والدین بر یادگیری و آموزش دانش‌آموزان، از گفته‌های مصاحبه شونده‌گان دو مقوله روانی و اجتماعی قابل احصا بود. والدین باور داشتند که حضور و مشارکت آن‌ها در برنامه‌های آموزشی و فرهنگی مدرسه باعث افزایش حس اعتماد به نفس و مسؤولیت‌پذیری در بچه‌ها می‌شود اما نمی‌توانستند استدلال‌های منطقی یا نمونه‌های بارزی در خصوص تأثیر مشارکت خود بر آموزش و یادگیری را مستند کنند بلکه به صورت کلی به این

1- Berkeley Parents Network

2- Parent, Family, and Community Engagement Interactive Framework

3- National network of partnership school

4- Chirstenson & Reschely

نکته اشاره داشتند که مشارکت در آموزش فرزندان باعث شده که آن‌ها برخی از تجربیات خوب و مهارت‌های تحصیلی خودشان را به فرزندان انتقال دهند.

مؤلفه‌های مقیاس ارزیابی نگرش والدین و معلمان در زمینه پدیده مشارکت والدین در آموزش فرزندان از روایی و پایایی برخوردار گردید که بیانگر آن است که مفاهیم مشارکت در آموزش فرزندان برای والدین و معلمان نمونه تحقیق پدیده نامأنوسی نیست هر چند چگونگی، میزان و زمان مشارکت در بین آنان متفاوت بود. بخش توصیفی یافته‌ها حاکی از آن بود که اگرچه والدین از لحاظ نظری از اهمیت مشارکت والدین در آموزش فرزندان تا حد زیادی آگاهند اما در عمل به دلایل مختلف چندان در این فرایند درگیر نیستند. اکثریت والدین اذعان داشتند که اولاً با معلمان فرزندان بسیار کم در ارتباط می‌باشند، ثانیاً از مشکلات آموزش فرزندان آگاهی کافی ندارند. میزان مداخله آن‌ها در فرایند تحصیل فرزندان در پایین‌ترین سطح بود و کمک و راهنمایی به فرایند انجام تکالیف فرزندان را نیز نادر گزارش کرده‌اند. این یافته نتایج مطالعات تورانی (۱۳۸۰) و رضوی (۱۳۹۱) را در زمینه عدم رغبت والدین به مشارکت در تحصیل فرزندان و عدم استقبال از حضور در جلسات اولیاء و مربیان مدارس پشتیبانی می‌کند.

یافته‌ها همچنین بیانگر این مطلب بود که والدین و معلمان در زمینه زمان تشویق دانش‌آموزان توسط والدین با هم اختلاف نظر داشتند. والدین در مقایسه با معلمان بیشتر خواهان تشویق فرزندان بودند. این می‌تواند نشانه نوعی از عدم تفاهم متقابل بین والدین و معلمان در خصوص چگونگی مداخله در امور آموزشی باشد. به عبارت دیگر، برخی معلمان خیلی راغب نیستند که والدین در فرایند تدریس و آموزش آن‌ها مداخله کنند. برای حل این مشکل معلمان می‌توانند به شیوه‌های مختلف به سراغ خانواده‌ها و سایر اعضای جامعه مدرسه بروند تا ارتباط و احترام بین خانه و مدرسه را بهبود بخشند و راهبردهایی را به والدین بیاموزند تا برای کمک به موفقیت فرزندان از آن‌ها استفاده کنند. اپستین و همکاران (۲۰۰۲) شش نوع رابطه را شرح می‌دهند که مدارس می‌توانند در مشارکت جامع با والدین بر آنها تأکید کنند: کمک به خانواده در تربیت کودکان، برقراری یک کانال ارتباطی دوسویه، عضوگیری برای درگیرکردن اعضای خانواده در برنامه‌ها و فعالیت‌ها به عنوان داوطلب، درگیر کردن خانواده در بحث یادگیری و تکلیف خانه، شرکت دادن خانواده‌ها در تصمیم‌گیری و

کنترل‌های مدرسه، مشارکت دادن خانواده با جامعه محلی.

بین نظرات والدین زن و مرد هم در زمینه مسؤلیت والدین در قبال آموزش فرزندان تفاوت وجود داشت. به عبارت دیگر، مادران بیش از پدران دانش‌آموزان خواستار مسؤلیت پذیری در فرایند تحصیل فرزندانشان بودند. این یافته ممکن است از آن جا ناشی شود که نمونه انتخابی تحقیق حاضر والدین و معلمان مدارس دخترانه می‌باشد و احتمالاً در نمونه انتخابی علاقه مادران به سرنوشت فرزندان دخترشان بیش از پدران آن‌ها بوده باشد.

با وجود مشارکت و مداخله پایین والدین نمونه تحقیق نتایج بیانگر پتانسیل بالا و مناسب جوامع ایرانی برای اجرای طرح‌های گسترده در زمینه تشکیل انجمن‌های اولیاء و مربیان است به شرط آن که برنامه‌ریزی‌های درست با تصمیم‌گیری‌های مشارکتی والدین صورت گیرد. معلمان نیز در این زمینه نباید تنها این مسأله را مسؤلیت مدیران و معاونان مدارس بدانند بلکه آن‌ها جدی‌تر در این تعامل درگیر شوند.

نمی‌توان تمام حیطه‌های مربوط به موضوع مشارکت و مداخله والدین در آموزش فرزندان را در یک مطالعه تحت پوشش قرار دهد، بنابراین محققان باید در هر پژوهش متغیرهای ویژه‌ای را انتخاب و مطالعه کنند. این تحقیق با محدودیت‌هایی روبرو بود. نخست آنکه در پژوهش‌های اجتماعی فرایند گردآوری داده‌ها معمولاً از کنجکاوی پاسخگویان تأثیر می‌پذیرد. علاوه بر این، به دلیل مسایل فرهنگی و اجتماعی، برخی والدین تمایل نداشتند که نگرش خود را اعلام کنند. به عنوان مثال، بعضی از والدین براین باور بودند که حضور بیشتر در مدرسه ممکن است با عملکرد پایین تحصیلی یا رفتار نامناسب فرزندشان توجیه شود و احتمالاً احساس شرم برای آنان به همراه داشته باشد. از محدودیت‌های دیگر این پژوهش می‌توان به عدم بهره‌گیری از نمونه مدارس پسرانه در جمع‌آوری اطلاعات اشاره نمود.

پیشنهادات کاربردی که پژوهش حاضر توصیه می‌کند آن است که اگرچه برقراری روابط مثبت با والدین و ارایه روش‌های عملی به آن‌ها برای کمک در موفقیت آموزشی به فرزندانشان کمک کنند در مدرسه موفق شوند، بخش مهمی از هر برنامه آموزشی برای بهبود بخشیدن به پیشرفت و سازگاری تمام کودکان است، اما عناصر دیگر مانند بهبود بخشیدن به برنامه درسی و آموزش نیز ضروری هستند.

حدود مشارکت و مداخله والدین نیز باید مشخص شود. دست اندرکاران ضمن نشان

دادن احترام به والدین عقاید و نیازهای آن‌ها را همواره مورد بررسی جدی قرار دهند و حتی‌المکان تمایلاتشان پاسخ داده شود. حتی اگر والدین به شدت با دیدگاه‌های معلمان مخالف باشند، چون کسانی هستند که مسئولیت بلندمدتی را در مورد فرزندانشان دارند باید بر اساس دو فیلتر شناخته شده اهداف تربیتی (فلسفه تعلیم و تربیت و روان‌شناسی تربیتی) و با لحاظ کردن مقدورات زمانی و درسی مصوب طرح‌های مداخله و مشارکت والدین عملی شود. وقتی والدین فکر می‌کنند در رابطه با فرزندانشان تصمیم اشتباهی اتخاذ شده و علی‌رغم اطمینان به دست‌اندرکاران دلوپس هستند یا زمانی که والدین با تشخیص یا نتایج ارزیابی مخالف هستند؛ یا حتی وقتی والدین برنامه‌های آموزشی یا پیشنهادی جایگزین برای فرزندانشان را رد کرده و بر درخواست‌هایشان سماجت می‌کنند توسعه روابط کاری مؤثر با آن‌ها مشکل است و احتمالاً معلمان آنان را به عنوان مشکل اصلی ببینند. در این گونه مواقع تصمیم‌گیرنده نهایی باید مدیر و شورای انجمن اولیاء و مربیان باشند و با تکیه بر اصول تربیتی تصمیمات صحیح را اتخاذ و آن را در مدرسه پیاده نمایند. افرادی که نیاز به ارتباط با والدین دارند باید نگرشی که حاکی از اعتبار، احترام و احساس یگانگی که به وسیله کارل راجرز^۱ (۱۹۸۰) پیشنهاد شده به آنان داشته باشند. کارکنان مدرسه باید در روابطشان با والدین اصالت داشته باشند. به عبارت دیگر، آن‌ها باید به عنوان افراد واقعی با توانایی و ضعف‌های خودشان با والدین برخورد کنند.

علاوه بر نگرش‌های ارتباطی مناسب برای کار مؤثرتر با والدین، افرادی مانند روان‌شناسان، مشاوران و معلمان که با آن‌ها کار می‌کنند نیازمند به داشتن مهارت‌ها و دانش ویژه هستند. به خصوص به مهارت‌های سازمانی برای حفظ تماس با والدین از طریق ابزارهای همچون جلسات، ارتباط کتبی، ملاقات‌های خانگی و ارتباط تلفنی نیازمندند تا بتوانند به مشکلات یا نگرانی‌های زیاد والدین رسیدگی کنند. همچنین از راهبردها و فنون مورد نیاز برای بهبود بخشیدن به سازماندهی دخالت والدین در مدارس مانند دستورالعمل جلسات برای سازماندهی کارگاه‌های آموزش خانواده آگاه باشند. دست‌اندرکاران مدرسه باید، از پویایی خانواده‌ها آگاه باشند و قادر به دیدن دانش‌آموزان درون بافت خانواده‌هایشان باشند. همچنین نیاز دارند بدانند چه چیزی می‌تواند برای کمک به والدین در مورد بچه‌هایی با انواع مختلفی

1- Carl Rogers

از مشکلات. مانند ناتوانی‌ها و بیماری‌های انجام دهند. بچه‌های که تحت تأثیر غم و جدایی از خانواده‌ها قرار دارند نیز نباید مورد غفلت قرار گیرند. دست‌اندرکاران مدرسه باید از یک الگوی نظری برای دخالت والدین برخوردار باشند.

وقتی ابتکارات و برنامه‌ها مبتنی بر روابط احترام‌آمیز و اعتماد بین کارکنان مدرسه و خانواده‌ها باشند در ایجاد و نگهداری پیوندهایی که پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را حمایت می‌کند خیلی کارآمدتر خواهند بود. عواملی که در محیط آموزشی برای جمعی از دانش‌آموزان در نظر گرفته می‌شود یکسان است و آن‌ها در مدارس تقریباً مشابه آموزش می‌بینند، ولی محیط خانواده را نمی‌توان برای همه یکسان فرض کرد، چون مسایل زیادی در خانواده‌ها وجود دارد. دانش‌آموزان در مدرسه احتیاج به آموزش بهتر دارند ولی در خانواده نیز برای دریافت آموزش بهتر و سازندگی به حمایت و محبت از طرف والدین احتیاج دارند.

منابع

- اسلاوین، رابرت (۱۳۸۵). *روانشناسی تربیتی*. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: انتشارات روان.
- بازرگان، عباس (۱۳۸۷). *مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته "رویکردهای متداول در علوم رفتاری"*. تهران: نشر دیدار.
- تورانی، حیدر (۱۳۸۰). *تعلیم و تربیت: مفهوم مشارکت و فرآیند آن در آموزش و پرورش کشور، رشد معلم*، شماره ۱۶۴، ۲۱-۲۰.
- رضوی، عبدالحمید (۱۳۹۱). *شوراهای انجمن اولیا و مربیان: واکاوی یک تجربه بعد از سه سال، خانواده و پژوهش*، سال نهم شماره ۱، ۱۴۸-۱۲۳.
- عریضی، حمیدرضا و فراهانی، حجت‌اله (۱۳۸۶). *روش‌های کاربردی پژوهش در روان‌شناسی بالینی و مشاوره*. تهران: نشر دانژه

گال، مردیت؛ بورگ، والتر؛ و گال، جوئیس (۱۳۸۶). *روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی*، ترجمه: احمدرضا نصر، حمیدرضا عریضی، خسرو باقری، محمدحسین علامت‌ساز، محمدجعفر پاک‌سرشت، علی دلاور، علیرضا کیامنش، غلامرضا خوی‌نژاد. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی با همکاری انتشارات سمت.

محمدپور، احمد (۱۳۹۰). *روش تحقیق کیفی، ضد روش ۲ مراحل و رویه‌های عملی در روش شناسی کیفی*، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

Avvisati, F., Besbas, B., & Guyon, N. (2010). Parental Involvement in School: A *Literature Review*. *Revue d' Economie Politique*, 120 (5), 759-778.

Bakker, J., & Denessen, E. (2007). The Concept of Parent Involvement (Some Theoretical and Empirical Considerations), *International Journal about Parent in Education*, 1, 188-199.

Bouffard, S., & Weiss, H. (2008). Thinking Big: A New Framework for Family Involvement Policy, Practice, and Research. *The Evaluation Exchange*, 14 (2), 2-5.

Brew, A. (2001). Conception of research, A Phenomenographic study, In Malcolm Tight, (2004), *The Rutledge Flamer Reader in Higher Education*, 16-35.

Brown, D. W. (1996). Principals' perceptions of community and staff development in shared decision-making. *Journal of Research in Rural Education*, 12 (1), 17-24.

Christenson, S. L., & Reschly, A. L. (2010). *Handbook of school-family partnerships*, Routledge: Madison Ave, New York.

Desforjes, C., & Abouchaar, A. (2003). The Impact of Parental Involvement, Parental Support and Family Education on Pupil Achievement and Adjustment: A *Literature Review*, *Department of Education and Skills*. University of Exeter, UK, ISBN: 1841859990.

Edward, R. (2002). *Children, Home & School (Regulation, Autonomy or Connection?)*. London and New York: Routledge Falmer Taylor & Francis Group.

Epstein, J. L. (1995). 'School, family, community partnerships: caring for the children we share', *Phi Delta Kappan*, 76 (9), 701-712.

Epstein, J. L., Sanders, M. G., Simon, B. S., Salinas, K. C., Jansorn, N. R., & Van Voorhis, F. L. (2002). *School, family, and community partnerships: Your handbook for action, second edition*. Thousand Oaks, CA: Corwin Press.

Fantuzzo, J. W., Davis, G. Y., & Ginsburg, M. D. (1995). Effects of parent involvement in isolation or in combination with peer tutoring on student self-concept and mathematics achievement. *Journal of Educational Psychology*, 87 (2), 272-281.

- Feuerstein, A. (2000). School characteristics and parent involvement: influences on participation in children's school. *Journal of Educational Research*, 94 (1), 29-39.
- Flynn, G. & Nolan, B. (2008). What Do School Principals Think about Current School-Family Relationship? *NASSP Bulletin*, 92 (3), 173-190.
- Green, C. L., Walker, J. M. T., Hoover-Dempsey, K. V., & Sandler, H. (2007). Parents' motivations for involvement in children's education: An empirical test of a theoretical model of parental involvement. *Journal of Educational Psychology*, 99, 532-544.
- Hallam, S. & Rogers, L. (2008). *Improving Behavior and Attendance at School*. Open University Press.
- Henderson, A., & Mapp, K. (2002). *A new wave of evidence: The impact of school, family, and community connections on student achievement*. Austin: Southwest Educational Development Laboratory.
- Hiatt-Michael, D. B. (2005). *Promising Practices for Family Involvement in Schooling across the Continents*. (Ed) Greenwich, CT: Information Age Publishing.
- Hoover-Dempsey, K.V. & Sandler, H.M. (1995). Parental involvement in children's education: Why does it make a difference? *Teachers College Record*, 97 (2), 310-331.
- Hoover-Dempsey, K.V. & Sandler, H.M. (1997). Why Do Parents Become Involved in Their Children's Education? *Review of Educational Research*, 67 (1), 3-42.
- Hornby, G. (2011). *Parental Involvement in Childhood Education, Building Effective School-Family Partnerships*: Springer New York
- Jeynes, H. W. (2007). The Relationship between Parental Involvement and Urban Secondary School Student Academic Achievement: A Meta analysis. *Urban Education*, 42 (1), 82-110
- Liu, F., Algina, J., Cavanaugh, C., Dawson, K. & Black, E. (2010). The Validation of One Parental Involvement Measurement in Virtual Schooling, *Journal of Interactive Online Learning*, 9 (2), 105-132
- Padgett, R. (2006). Best ways to involve parents. *Education Digest: Essential Readings Condensed of Quick Review*, 72 (3), 44-45.
- Petersen, G. J. (1997). Looking at the big picture: School administrators and violence education. *Journal of School Leadership*, 7 (5), 456-479
- Rogers, C. R. (1980). *A way of being*. Boston: Houghton Mifflin.
- Sanders, M. G. & Epstein, J. L. (1998). International Perspectives on School-Family-Community Partnerships Special Issue: *Childhood Education*, 74: 6.
- Simon, B. S. (2004). High school outreach and family involvement. *Social Psychology of Education*, 7, 185-209.

- Singh, K., Bickley, P. G., Trivette, P., Keith, T. Z., Keith, P. B. & Anderson, E. (1995). The effects of four components of parental involvement on eighth-grade student achievement. *School Psychology Review*, 24, 299-317.
- Smit, F., Driessen, G., Sluiter, R., & Slegers, P. (2007). Types of parents and school strategies aimed at the creation of effective partnerships, *International Journal about Parents in Education*, 1 (2)45-52.
- Storer, J. H. (1995). Increasing parent and community involvement in schools: The importance of educators' beliefs. *Community Education Journal*, 22 (2), 16-20.

